

متن پرسش

جناب استاد طاهرزاده حفظه الله سلام عليكم: در برخی دروس آیت الله سید کمال حیدری شنیدم که به مرحوم علامه طباطبائی رأیی را در باب واقعه ظهور نسبت می دادند مبنی بر این که ظرف تحقق حوادث آخر الزمان و ظهور امام عصر سلام الله علیه نشئه دنیا نیست بلکه وقایع ظهور در عالمی که برزخ طبیعت و مثال است رخ می دهد و اضافه کردند که مرحوم علامه این نکته را سربسته مطرح کرده و در قول به این رأی هم منحصر هستند و صرفاً برخی مشابَهت ها با این قول در آراء شیخیه قابل رهگیری است. در پرسش و پاسخی در باب رجعت هم مشابه همین برداشت را به مرحوم علامه انتساب داده اند. عبارت پاسخ چنین است: «علامه طباطبائی(ره) معتقد است که رجعت برزخی میان عالم دنیا و عالم برزخ است و جزو عالم دنیا نیست. یعنی رجعت مرتبط به عالم مجرد مثالی است، نه عالم تدرج و زمان. روز رجعت خود یکی از مراتب روز قیامت است، هر چند که از نظر ظهور به روز قیامت نمی رسد، چون در روز رجعت، باز شر و فساد تا اندازه ای امکان دارد، به خلاف روز قیامت که دیگر اثری از شر و فساد نمی ماند. (ترجمه المیزان جلد دوم صفحه ۱۵۹)» - ایشان در ادامه افزوده اند که با این تبیین، ادامه حیات حضرت سلام الله علیه در حال حاضر در آن نشئه قابل تبیین است. آیا آنچه از آیت الله جوادی آملی بعضاً می شنویم که به هنگام ظهور، دنیا بر لبه قیامت کبری است می تواند مؤید همین مدعا باشد؟ بنده از قدیم چنین تعبیری را از ایشان به اشارت و اجمال شنیده بودم اما نمی دانم آیا موضعی هست که بتوان تفصیل این معنا را هم یافت یا خیر؟ لطفاً درباره این تبیین از احوال آخر الزمان و انتساب آن به مرحوم علامه طباطبائی راهنمایی فرمایید.

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام عليكم: عرایضی در کتاب «بصیرت و انتظار فرج» شده است مبنی بر همین موضوع. به عنوان مثال در روایت داریم؛ زمین زیر پای یاران حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» می پیچد و حاکمیت بُعد در آن شرایط ضعیف می شود. حضرت صادق «علیه السلام» در توصیف آن شرایط می فرماید: «جَبْرَائِيلُ عَنْ يَدِهِ الْيُمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شَيْعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطَوِّى لَهُمْ طَبِئًا حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» [۱] جبرئیل در سمت راست او فریاد می زند: «بیعت برای خدا! پس شیعیان آن حضرت از اطراف زمین به سویش رهسپار شوند، و زمین زیر پایشان به سرعت پیچیده شود تا خدمتش رفته با او بیعت کنند و خدا به وسیله او زمین را از عدل و داد پر کند چنانچه از جور و ستم پر شده باشد.» در شرایطی که فعلاً ما قرار داریم،

یک کیلومتر، یک کیلومتر است. حال اگر از این که هست کوتاه‌تر شود به این معنی است که از حالت بُعد امروزی‌اش در می‌آید. در حال حاضر که در بُعد گرفتارید وقتی این‌جا هستید، آن‌جا نیستید. حالت بقاء؛ ضد این شرایط است، یعنی هم این‌جا بمانید و هم آن‌جا. وقتی در حال حاضر روی زمین راه می‌روید این‌جا که هستید آن‌جا نیستید، در حالی که مَنْ شما در تن شما این‌طور نیست، «مَنْ» در عین این‌که در یک عضو حاضر است در عضو دیگر نیز حاضر است. نظام بقیة اللّٰهی به حالتی که «مَنْ» در بدن دارد نزدیک می‌شود. شرایطی است که نه تنها بُعد مکانی و زمانی تا حدّی جمع می‌شود، بلکه تمام تاریخ جمع می‌شود. این بحث را در کتاب «معنی عالم بقیة اللّٰهی» دنبال بفرمایید. موفق باشید

[۱] - ارشاد شیخ مفید، ص ۳۷۹.